

تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب دیده از سوانح طبیعی (مطالعه موردی: شهرک زنجیران و شهرک ایثار- استان فارس)

محمد رضا رضوانی* / لایلا کوکبی** / حسین منصوریان**

۱۳۹۱/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۲/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

هدف کلی اسکان مجدد ایجاد زمینه مناسب جابه‌جایی روستاها از پهنه‌های پرخطر و آسیب پذیر به منظور بهبود وضعیت معیشت و رفاه ساکنین در ابعاد مختلف زندگی است. به منظور بهبود کیفیت زندگی روستایی، توجه به ابعاد و اثرات طرح‌های اسکان مجدد به عنوان هدف اساسی جوامع روستایی ضروری می‌باشد. در ایران در طی دو دهه گذشته طرح‌های اسکان مجدد به شکل جابه‌جایی، ادغام و تجمیع روستاها بیشتر در بازسازی مناطق جنگ زده، نواحی آسیب دیده از زلزله، سیل، رانش زمین و در طرح‌های احداث سدهای مخزنی اجرا شده است. مطالعه حاضر با هدف تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی و تبیین عوامل مؤثر بر آن در روستاهای اسکان مجدد یافته در استان فارس (شهرک های ایثار و زنجیران) انجام گرفته است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی بوده و داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میزان رضایت از زندگی در طیف لیکرت ۶ مقیاسی برابر ۳.۶۰۱ بوده و بیشترین و کمترین میزان رضایت مربوط به قلمروهای زیرساخت‌ها و اشتغال و درآمد است. علاوه بر این، نتایج حاصل از تحلیل عاملی در ابعاد ۹ گانه برای کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه شناسایی شد که شش عامل توسعه کالبدی، خدمات رفاهی، کیفیت مسکن، روابط با شهرها و روستاهای مجاور، وضعیت بهداشت و بهزیستی مجموعاً ۷۱.۲ واریانس کیفیت زندگی را تبیین می‌کنند. با توجه به اهمیت کیفیت زندگی در توسعه و بهزیستی اجتماعات انسانی، لازم است در طرح‌های اسکان مجدد علاوه بر مکانیابی بهینه روستایی، اثرات و پیامدهای آن بر وضعیت کیفیت زندگی روستاییان مورد توجه ویژه قرار گیرد، تا ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف این طرح‌ها، بهبود وضعیت رفاه ساکنین از جنبه‌های مختلف ارتقا یابد.

واژگان کلیدی: اسکان مجدد، کیفیت زندگی، فارس، ایثار، زنجیران.

* دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

** پژوهشگر دکتری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران. Leila.kowkabi@ut.ac.ir

مقدمه

تغییر مکان استقرار برخی از روستاهای کشور بر اثر وقوع سوانح طبیعی و یا اجرای پروژه‌های اقتصادی و بعضاً برخی مسائل طبیعی، اجتماعی - سیاسی اجتناب ناپذیر می‌گردد. البته باید توجه داشت که در تغییر مکان استقرار روستاها دارایی و مایملک روستاییان که عمدتاً شامل کلیه عواملی است که در فرآیند فعالیت‌های تولیدی آنان نقش دارد از قبیل زمین‌های زراعی، اراضی غیرزراعی واقع در مناطق کشاورزی، مسکونی، تجاری و صنعتی، ساختمان و ابنیه اعم از مسکونی، تجاری و صنعتی - تولیدی (مانند کارگاهها، گاوداری‌ها، مرغداری‌ها، اصطبل و جز آن)، ماشین آلات کشاورزی، بناها و طرحهای عمرانی، محصولات زراعی و باغی، انبارها و سیلوها و محصولات موجود در آنها در مخاطره قرار می‌گیرد و این امر برای روستاییان که با انواع گوناگونی از مخاطرات که محیط روستا را تهدید می‌کنند، روبه‌رو هستند مطلوب نیست. بنابراین مکان‌یابی و جابه‌جایی روستا بدون مطالعه تبعات مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی و کالبدی را در پی خواهد داشت که این مداخلات می‌تواند زمینه ساز ناپایداری محیط روستایی شده و آنرا دچار آشفتگی سازد. این شرایط باعث می‌شود تا ارزش‌های اقتصادی، طبیعی و کالبدی سرزمین همچنین زیبایی طبیعی، روح و هویت مکان روند فرساینده را تجربه کنند.

هدف کلی اسکان مجدد روستایی، ایجاد زمینه مناسب برای استقرار روستاهای واقع در پهنه‌های پرخطر و روستاهایی است که بنا به دلایل مختلف جابه‌جایی آنها ضروری می‌باشد، به طوری که وضعیت معیشتی و رفاه ساکنین از جنبه‌های مختلف پس از جابه‌جایی و گذشت فاصله زمانی کوتاه بهبود یابد. بر این اساس ضروری است اسکان مجدد و مکان‌یابی بهینه مکان

استقرار روستاها بر مبنای روشهای مناسب و منطبق با ویژگیهای محیطی صورت پذیرد.

جابه‌جایی انسان معمولاً با نگرانی، افزایش هزینه‌ها و تأخیر در اقدامات همراه است. در عین حال جابه‌جایی غیر قابل اجتناب می‌تواند فرصتی برای توسعه باشد. در جابه‌جایی بهتر است افراد ذینفع و تحت تأثیر در برنامه‌ها شرکت داده شوند و سهم باشند. این ارتباط نزدیک باعث می‌شود راحت‌تر بتوان بر مشکلات غلبه کرد. صرف زمان و تلاش بیشتر در این مرحله باعث کاهش بسیاری از مشکلات آتی خواهد شد. جابه‌جایی مکانی جمعیت پدیده‌ای صرفاً فیزیکی نیست. ماهیت سازمان اقتصادی و اجتماعی به ویژه در محیط‌های روستایی با محیط طبیعی کنش دوسویه دارد. با در نظر گرفتن ارتباط نزدیک جوامع روستایی با محیط طبیعی و این موضوع که بخش عمده‌ای از روستاها با تأثیر از عوامل طبیعی مانند رودخانه، چشمه، کوهستان و ... شکل گرفته‌اند، جابه‌جایی مکانی و انتقال آنان به مکان دیگر بی‌گمان باعث گسسته شدن پیوندهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعی آنان با طبیعت می‌شود و مسائلی را درباره سازگاری ساکنان با محیط جدید مطرح می‌سازد. همچنین طرحهایی تحت عنوان "تجمیع روستایی" در سطح کشور اجرا گردیده که مهمترین اهداف آن ایجاد شهرکها و تجمیع روستاهای پراکنده و کم جمعیت به منظور سهولت ارائه خدمات، گسترش فعالیتهای مولد، تأمین رفاه اهالی و کاهش مهاجرت‌های بی‌رویه روستایی است (افراخته، ۱۳۷۵: ۸۸).

به‌طور کلی در بازسازی مناطق آسیب دیده از حوادث و به‌خصوص در بهسازی مناطق حاشیه‌ای و کم جمعیت عمدتاً چندگونه سیاست اجرایی، مطرح می‌باشد. به این ترتیب، در حالی که می‌توان الگوهای نوین عملی را وارد جامعه آسیب دیده کرد، در عین حال می‌توان از

اندازه‌گیری کیفیت زندگی از جنبش شاخص‌های اجتماعی نشأت گرفته است (بیدرمن^۲، ۱۹۷۴: ۲۷).

افزون بر مسئله تعریف کیفیت زندگی، بحث‌های زیادی در مورد قلمروهای مورد استفاده در مطالعه کیفیت زندگی مطرح است. میشل (۲۰۰۰) قلمروهای کیفیت زندگی را اینگونه ترسیم می‌کند: امنیت، سلامت، توسعه فردی، توسعه اجتماع، محیط فیزیکی و منابع طبیعی، کالاها و خدمات. هازل هندرسون و همکارانش (۲۰۰۰) دوازده قلمرو شامل آموزش، کار، انرژی، محیط زیست، سلامت، حقوق انسانی، درآمد، زیرساخت‌ها، امنیت، اصلاحات و مسکن را برای سنجش کیفیت زندگی پیشنهاد کرده‌اند. هاگرتی و همکاران در سال ۲۰۰۱ اظهار داشتند که هفت قلمرو شامل روابط با خانواده، بهزیستی عاطفی، بهزیستی مادی، سلامت، کار و فعالیت مولد، احساس تعلق به اجتماع و امنیت فردی می‌توانند فضای کیفیت زندگی را به خوبی پوشش دهند (هاگرتی، ۲۰۰۱: ۱).

جانسون (۲۰۰۲) نه قلمرو شامل منابع اقتصادی و شرایط مصرف‌کننده‌ها، وضعیت کار و اشتغال، آموزش و دسترسی به مدارس، سلامت و دسترسی به خدمات بهداشتی، زندگی و روابط اجتماعی، مسکن و تسهیلات آن، فرهنگ و فراغت، امنیت فردی و منابع سیاسی و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. از دیدگاه توسعه پایدار روستایی مؤلفه‌ها و معیارهایی در سنجش کیفیت زندگی مؤثرند. در این چارچوب کلی برای رسیدن به پایداری اجتماعی روستا، مؤلفه کیفیت زندگی تعریف می‌شود که خود شامل معیارهای کیفیت اشتغال و درآمد و همچنین کیفیت خدمات و مسکن می‌باشد. به‌طور کلی به علت نبود یک چارچوب دقیق و منطقی در جهت سنجش و ارزیابی شرایط و وضعیت رفاهی یا کیفیت زندگی در نقاط روستایی، مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی ملل متحد اقدام به تعریف مقیاسهایی در سطح

بازسازی و درجاسازی در مکان نامناسب نیز جلوگیری به عمل آورد.

با توجه به اهمیت کیفیت زندگی در توسعه و بهزیستی اجتماعات انسانی، سنجش کیفیت زندگی و تبیین عوامل مؤثر بر آن اهمیتی ویژه دارد، بنابراین لازم است علاوه بر مکانیابی بهینه مکان روستا، پس از اسکان مجدد نیز وضعیت معیشتی روستائیان بررسی گردد. کیفیت زندگی مقوله‌ای میان رشته‌ای و مفهومی چند بعدی و پویا می‌باشد که متشکل از ابعاد عینی و ذهنی است. کیفیت زندگی از زمان و مکان جغرافیایی و نظام ارزشی جامعه متأثر می‌باشد و به احساس رضایت فرد از شرایط زندگی اطلاق می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۲). شاخص‌های ذهنی از پیمایش اداراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنین از زندگی به‌دست می‌آیند، حال آنکه شاخصهای عینی به حقایق قابل مشاهده - که غالباً از داده‌های ثانویه به‌دست می‌آیند - مربوط است.

هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیرات اسکان مجدد بر کیفیت زندگی و تبیین عوامل مؤثر بر آن در این قبیل روستاها است. بر این اساس رضایت کلی از زندگی و قلمروهای آن، ابعاد و عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

سنجش کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که ابعاد عینی و بیرونی، ذهنی و درونی را در بر می‌گیرد. پاکيون معتقد است اصطلاح کیفیت زندگی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند، مثل آلودگی و کیفیت مسکن و همچنین به برخی صفات و ویژگی‌های خود مردم مانند سلامت و دسترسی اشاره دارد (پاکيون^۱، ۲۰۰۳: ۳۰-۱۹). از لحاظ تاریخی، اولین تلاشها برای

جهانی برای سنجش کیفیت زندگی کرده است که عبارتند از: بهداشت، تغذیه، محیط طبیعی، اوقات فراغت، امنیت، آموزش و درآمد.

از دیدگاهی دیگر می‌توان شاخص‌های تأثیرگذار در سنجش کیفیت زندگی را به چند دسته تقسیم کرد. این شاخصها عبارتند از:

- شاخصهای زیست محیطی مانند نواحی و مناطق حفاظت شده، عوامل آلاینده محیط، چشم‌اندازهای طبیعی؛

- شاخصهای مربوط به سوانح طبیعی مانند پهنه‌بندی (سیل، زلزله و ...)

- شاخصهای اقتصادی از قبیل: فاصله از اراضی کشاورزی و محل فعالیت ساکنین، ارزش اقتصادی زمین در مکان جدید استقرار و نحوه مالکیت اراضی مذکور؛

- شاخصهای اجتماعی مانند مسائل قومی، فرهنگی و پذیرش اجتماعی محل جدید از سوی ساکنین، وابستگی به محل قبلی و نسبت تمایل به جابه‌جایی؛

- شاخصهای کالبدی مانند نحوه دسترسی به راههای ارتباطی، مراکز خدماتی بالادست، طرحها و برنامه‌های دستگاهها و بخشهای اجرایی در محل جدید استقرار.

در مطالعات اخیر، کیفیت زندگی را به دو روش اندازه‌گیری می‌کنند. روش اول شاخص‌های عینی را برای سنجش کیفیت زندگی مورد استفاده قرار می‌دهد. شاخص‌های عینی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی قابل سنجش برای انعکاس میزان تأمین نیازهای انسانی هستند که با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی بررسی می‌شوند. در روش دوم، شاخص‌های ذهنی قرار دارند که سطح رضایت افراد و گروه‌ها را که اصطلاحاً بهزیستی ذهنی نامیده می‌شود، ارزیابی می‌کنند (کاستانزیا^۳ و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۶۷). در رویکرد ذهنی، کیفیت

زندگی بر حسب رضایت کلی افراد از زندگی و به‌عنوان یک کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. روش دیگر برای سنجش کیفیت زندگی در رویکرد ذهنی استفاده از قلمروهای مختلف زندگی است. بر اساس این روش زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد (رضوانی و همکاران، ۲۰۱۲).

بر این اساس در این مقاله قلمروهای تشکیل دهنده کیفیت زندگی مشخص شده و با استفاده از این قلمروها در رویکردی ذهنی (شهودی و منطقی)، روستاهای اسکان مجدد یافته در اثر سوانح طبیعی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

اسکان مجدد

هاردوی و ساترت ویت^۴ معتقدند در گذشته، اسکان مجدد و جابه‌جایی از بالا به پایین و دولت محور بوده و از مشارکت عمومی امتناع نموده است بنابراین منجر به تولید مسکنی که مردم تمایلی به آن نداشتند و در مکانی که هیچ کس خواستار زندگی در آن نیست، شده است (هاردوی و ساترت ویت، ۱۹۹۳: ۱۱). در حال حاضر جابه‌جایی برنامه‌ریزی شده متصرفان غیر رسمی زمین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در اشکال مختلف ادامه دارد. براساس سیاست‌ها و راهکارهای بانک جهانی، سایت‌های اسکان مجدد باید طی مشاوره با افراد جابه‌جا شده و جوامع میزبان انجام شود. منابع و برنامه‌ها برای کاربری زمین باید کاملاً ارزیابی شوند. انتخاب سایت، گزینه‌های موجود برای سرپناه و زیرساخت‌هایی که در سایت جدید استفاده می‌شوند باید هم از جنبه ترجیحات مردمی و هم بهترین فرصتها برای بازسازی به موقع محل زندگی انعکاس یابند. جانمایی و

باستانی در مناطق تأثیرپذیر از پروژه و بررسی امکان تغییر مکان آن.

طبق همین گزارش انتخاب سایت اسکان مجدد و آماده‌سازی سایت شامل سه مرحله، فاز برنامه‌ریزی، اجرا و پس از اجرا است. این مراحل از بررسی گزارش‌های انتخاب مشارکتی گزینه‌های اسکان مجدد روستایی و مطالعات امکان‌سنجی انتخاب سایت شروع و تا فاز انتقال و جابه‌جایی ادامه می‌یابد (همان منبع).

سیاست‌های اجرایی برای بازسازی عبارتند از: تجمیع و ادغام، جابه‌جایی یا انتقال و درجاسازی که ابعاد آن به شرح زیر بررسی می‌شود.

تجمیع و ادغام: یکی از سیاست‌های اجرایی در بازسازی مناطق آسیب دیده بر اثر حوادث طبیعی (مورد خاص زلزله) یا حوادث انسانی، سیاست ادغام یا یکپارچه سازی مناطق سکونتی آسیب دیده است. در این شیوه سکونتگاه‌های کوچک و متفرق، خصوصاً سکونتگاههایی که آسیب فراوانی را متحمل شده‌اند و یا اینکه به علت تفرق زیاد از نقطه نظر سرویس دهی مجدد و تأمین زیرساخت‌های جدید با اشکال اساسی روبه‌رو هستند، در یک مکان جدید (بدون زمینه سکونت قبلی) مجتمع شده و یا چند روستا در یک روستای دیگر ادغام شده و بازسازی در آن مکان ویژه صورت می‌گیرد.

درجاسازی: در این روش روستا در محل اصلی خود مورد بازسازی قرار گرفته است. عملیات درجاسازی (بدون تغییر مکان) به منظور ارتقای کیفی محیط زیست و زیرساخت‌های موجود و تهیه و تدارک خدمات اجتماعی و اجرای برنامه‌های اقتصادی جهت رفاه افراد اجرا می‌گردد. سیاست درجاسازی در مواقعی قابل اجرا است که: بافت قبلی (روستا) به صورت باغچه - منزل باشد و وابستگی خانوار به محوطه منزل موجود، زیاد باشد.

حفاظت جامعه از مهم‌ترین حوزه‌های مورد توجه در انتخاب سایت اسکان مجدد است. بنابراین سایت‌های اسکان مجدد باید برای مردم دسترسی قابل اطمینان به منابع تولید، استخدام و فرصت‌های تجارت فراهم کند (زو^۵ و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۷). اعضای اجتماع باید مورد مشورت باشند و در جریان گزینه‌های پیش‌بینی شده برای اسکان مجدد قرار بگیرند.

نمونه‌هایی از هند، بنگلادش، فیلیپین و تایلند نشان می‌دهد که مزایای اسکان مجدد شامل وجهه قانونی زمین یا مسکن برای اطمینان از مصونیت حق تصرف و بهبود کالبد و زیرساخت‌ها است. اما این پروژه‌ها در ارتباط با ضعف موقعیت مکانی، فقدان فرصت‌های اشتغال و هزینه‌های بالای تردد با شکست همراه بوده‌اند. براساس درس‌های فراگرفته شده از برنامه اسکان مجدد در داکا، چنین نتیجه‌گیری شد که پنج نیروی کلیدی شامل: موضوعات سازمانی، منابع، درک فرهنگی، استفاده از فناوری مناسب و مشارکت عمومی، تشکیل دهنده مراحل اجرای هر نوع برنامه اسکان مجددی هستند. در نظر گرفتن مسائل مربوط به ارتقای مباحث اسکان مجدد، ماهیت روند اسکان و ذینفعان نقش آفرین تبدیل به کلیدی برای موفقیت یا شکست پروژه‌ها شده است. طبق گزارش وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه (برنامه عملیاتی سد یوسفلی^۶، ۲۰۰۶) طی مراحل اسکان مجدد روستایی پروژه این سد، الزامات بین‌المللی انتخاب سایت اسکان مجدد برای مردم جابه‌جاشده در کانون توجه قرار گرفته است. این الزامات شامل موارد زیر است: توسعه سیاست‌ها در جهت ماندن مردم در منطقه خودشان؛ بهبود مدل‌های توسعه روستایی که گرایش به افزایش درآمد در مناطق روستایی از طریق اهمیت دادن به مشارکت دارند؛ حفاظت توان‌های فرهنگی، طبیعی و

- تخریب حاصل از سوانح کم و از لحاظ اقتصادی خاکبرداری به صرفه باشد.

- در نزدیکی سکونتگاه هیچگونه زمین مناسب برای بازسازی وجود نداشته باشد و یا نیازی به انتقال نباشد.

جابه‌جایی و انتقال (اسکان مجدد): از دیگر

شیوه‌هایی که در نواحی آسیب دیده- بسته به اقتضای مکانی و گاهی بر اثر بی توجهی- صورت گرفته، جابه‌جایی مراکز سکونتی تخریب شده است. در این شیوه به علت حجم زیاد تخریب‌های ایجاد شده و یا به سبب حرکات شدید و ایجاد لغزشهای زمینی (در مورد زلزله)، در صورت مساعد و مناسب بودن اراضی پیرامون روستا، مکان سکونتی به نقطه‌ای در جوار مکان قبلی انتقال یافته و اقدام به ساخت می‌کنند. اسکان مجدد به شیوه جابه‌جایی به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف) اسکان مجدد یا جابه‌جایی جامع که دربرگیرنده امکانات رفاهی همچون تدارک اشتغال، مسکن، بهداشت و آموزش است.

ب) جابه‌جایی به همراه تدارک مسکن و زیرساخت‌های اجتماعی مانند روش‌های خودیاری، مکان‌ها و خدمات (بدری، ۱۳۸۴).

با این حال هزینه جابه‌جایی روز به روز در حال افزایش است، چنان‌که اسکادر^۷ (۱۹۹۸) سهم اسکان مجدد ۲۰ پروژه ساخت سد که توسط بانک جهانی بین سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ انجام شده است را معادل ۹ درصد کل هزینه‌ها بیان کرده است. در کشورهایی که تراکم جمعیت بالاتر است، این عدد به‌طور قابل توجهی بیشتر است. برای مثال اسکان مجدد سد سه دانگه چین، یک سوم کل هزینه پروژه را در بر گرفته است.

موفقیت پروژه‌های اسکان مجدد و پذیرش سکونتگاه جدید از طرف مردم بستگی زیادی به

همخوانی مکان اولیه و مکان جدید پس از جابه‌جایی دارد. به‌طور کلی همزمان با برنامه‌ریزی جابه‌جایی باید کنترل بهداشتی و اقتصادی این افراد انجام شود و آن‌ها را در جریان منفعت همگانی طرح‌های توسعه ملی قرار داد و به حفظ هویت آن‌ها کمک نمود. بسیاری از مردم به خصوص افراد مسن به مکانی که در آن متولد گردیده و رشد یافته‌اند دلبستگی عاطفی دارند، بنابراین با چنین مواردی که از سوی آن‌ها قابل احترام است باید با مراقبت و ظرافت برخورد کرده و همواره از اجبار اجتناب کرد. در مقابل، با انگیزه دادن آن‌ها را تشویق به نقل مکان به سمت برخوردارتری از استانداردهای بالاتر زندگی رهنمون شد، به‌طوری‌که اطمینان یابند اسکان مجدد به نفع آن‌ها و برای کمک به بهبودی شرایط آن‌هاست و در آن مشارکت کنند.

شاخص‌های پایش (بررسی کارایی بالقوه) برنامه‌های اسکان مجدد از دیدگاه بانک جهانی (۱۹۹۶)(۱۹۹۳) شامل موارد زیر است:

- میزان برخوردارتری جامعه تحت تأثیر چگونه است؟
- آیا کیفیت خانه‌های ساخته شده در حد استاندارد است؟
- آیا سایت جابه‌جا شده بر اساس استاندارد انتخاب و توسعه داده شده است؟
- آیا افراد جابه‌جا شده در خانه‌های نو اسکان یافته‌اند؟
- آیا اقدامات کمکی برای جوامع میزبان اجرا شده است؟
- آیا اقدامات مرمتی و بازسازی برای زیرساخت‌های اجتماعی و خدماتی انجام شده است؟
- آیا جوامع اسکان مجدد یافته قادر به دسترسی به مدارس، خدمات، بهداشت و مکان‌های فرهنگی هستند؟

آسیا و اقیانوس آرام - دو کشور چین و هندوستان بیشترین سهم را در این آمار دارند. مرکز ملی تحقیقات اسکان مجدد در چین تعداد افرادی را که بر اثر پروژه‌های توسعه بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ جابه‌جا شده‌اند را بیش از ۴۵ میلیون نفر محاسبه کرده است. تانژا و تاکار^۱ (۲۰۰۰) اشاره کرده‌اند که جابه‌جایی در هندوستان ناشی از پروژه‌های سدسازی به تنهایی بین ۲۱ تا ۴۰ میلیون نفر تخمین زده شده است. طی احداث پروژه سد سردار سراور^۲ هندوستان، ۱۲۷ هزار نفر جابه‌جا شدند، در حالی که احتمالاً بیشترین اجبار برای جابه‌جایی و اسکان مجدد در طول تاریخ بوده است. به طوری که به دلیل ناراضی ساکنین محلی بانک جهانی از حمایت مالی این پروژه خودداری کرد و دولت هند به تنهایی و بدون کمک‌های خارجی اقدام به پیشبرد پروژه نمود. در تحقیقی دیگر به جابه‌جایی ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر در اندونزی طی پروژه ساخت و ساز برای توسعه شهر جاپوتاب اشاره شده است، که شامل عریض کردن و ارتقای جاده‌ها در جاکارتا و شهرهای نزدیک آن است.

آفریقا - در حالی که کشورهایمانند چین و هند بیشترین آمار افراد جابه‌جا شده و آواره در اثر توسعه را دارند، نسبت جمعیتی و مناطق آسیب دیده طی این پروژه‌ها بسیار پائین تر از برخی پروژه‌های آفریقا است. به‌عنوان مثال سد آکاسامبو در غنا، ۸۰ هزار نفر را آواره کرد که حدود ۱ درصد جمعیت کشور است. در حالی که در پروژه سد سردار سراور هند، ۱۲۷ هزار نفر آواره شدند که حدود ۰.۱۳ درصد از جمعیت کشور است. به‌علاوه پروژه‌های توسعه در کشورهای آفریقایی گاهی درصد بالایی از خاک کشور را در بر می‌گیرد، به طوری که مخزن این سد ۳.۵ درصد از زمینهای غنی را زیر آب برد. گزارش مهندسين مشاور توسعه پایدار و محیط زیست، آوارگان پروژه سد کاریبا در زامبیا را حدود ۵۷ هزار نفر

- آیا فعالیتهای ترمیمی درآمدی و معیشتی (از قبیل استفاده از زمینهای جایگزین، شروع مجدد تولید و آموزش افراد) در برنامه لحاظ شده است؟

- چه تغییراتی در الگوهای اشتغال، تولید و استفاده از منابع نسبت به وضعیت قبلی رخ داده است؟

- چه تغییراتی در هزینه‌های زندگی و درآمد نسبت به قبل از پروژه ایجاد شده است؟

- در پارامترهای اجتماعی و فرهنگی چه تغییراتی در ارتباط با استانداردهای زندگی رخ داده است؟

- چه تغییراتی برای گروه آسیب پذیر رخ داده است؟

از آنجا که در اسکان مجدد روستاها، تغییرات محیطی ایجاد شده در جهت بهبود زیر ساختها و افزایش کیفیت محل زندگی ساکنین محلی است، لذا پایداری محیطی تنها زمانی تضمین خواهد شد که دیدگاههای ذینفعان از جمله ساکنین محلی، برنامه‌ریزان فضایی، کشاورزان، مدیران و سایر گروهها مورد توجه قرار گیرد. زمانی که شاخص های طراحی سکونتگاه روستایی مراحل متفاوتی از شناخت تا مدیریت اجرایی را در بر داشته باشند، مطلوبیت و کارایی این طرحها بهتر خواهد بود.

تجارب جهانی اسکان مجدد

به‌طور کلی جابه‌جایی به دلیل توسعه در کل دنیا مشاهده می‌شود. در آسیا تعداد افرادی که طی پروژه‌های عمران جابه‌جا و یا آواره شده‌اند بسیار بالاست در حالی که نسبت جمعیتی و مناطق آسیب دیده طی این پروژه‌ها بسیار پائین تر از برخی پروژه‌های آفریقا است. همچنین جابه‌جایی در آمریکای لاتین و کارائیب مانند آسیا نیست با این حال تعداد عملیات اسکان مجدد وسیع و قابل ذکر گزارش شده است. خلاصه مروری بر این تجارب به این شرح است:

تخمین می‌زند. فهیم (۱۹۸۱) در کتاب خود با نگاهی عمیق به پروژه سد آسوان در مصر، بیان می‌کند که نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر در مصر و سودان بی‌خانمان شده‌اند؛ به علاوه، مخزن عظیم سد، منابع تابستانی که توسط قبایل عشایری منطقه باستانی نویبان^{۱۰} مورد استفاده قرار می‌گرفت، را از بین برد و طرح‌های اسکان مجدد و پرداخت غرامت نیز شامل این افراد آواره نشده است. آبوسومنا^{۱۱} (۱۹۹۶) در کتاب خود که بر اساس کار میدانی اولیه در اوایل سال ۱۹۹۰ نوشته شده است، در مورد عواملی که منجر به شکست پروژه‌های اسکان مجدد می‌شود، بحث می‌کند. قبل از اتمام عملیات اسکان مجدد رودخانه ولتا و به‌منظور استفاده بهینه برنامه‌ریزان اسکان مجدد، مطالعاتی انجام و انتشار یافت. مطالعات انجام شده به جابه‌جایی و اسکان مجدد روستایی در غنا در آغاز سال ۱۹۵۲ با هدف ایجاد فضا برای ساخت یک بندر جدید و اسکله اشاره می‌کند.

آمریکای لاتین و کارائیب - اگر چه جابه‌جایی به‌طور کلی در آمریکای لاتین و کارائیب مانند آسیا نیست، اما تعدادی عملیات اسکان مجدد وسیع و قابل ذکر انجام شده است. لاروور و مندرس^{۱۲} (۲۰۰۰) جزئیات مفصلی از پروژه سد توکری^{۱۳} برزیل که فاز اول آن بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۴ بود، بیان می‌کنند. در این پروژه ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر جابه‌جا شدند؛ در حالی که تنها جابه‌جایی ۱۷۵۰ خانوار در منطقه پیش بینی شده بود. گزارش دیده بان صلح^{۱۴} (۱۹۹۶) با بررسی اجمالی از پروژه سد، مؤلفه‌های اسکان مجدد و تأثیرات پروژه بر این جابه‌جایی را ارائه نمود. رایبسون (۲۰۰۰) تحقیق جامعی از سابقه تاریخی سدسازی و اسکان مجدد در مکزیک ارائه نموده‌اند. گزارش پروژه سد میگل المان^{۱۵} مکزیک که در آن ۲۰ تا ۲۵ هزار سرخپوست مزاتک^{۱۶} جابه‌جا شدند، را مورد بحث قرار می‌دهد. در این مورد

ابتدا برنامه‌ای جهت جلوگیری از فقر افراد بی‌خانمان پیش بینی نشده بود، اما زمانی که مشکلات عدیده‌ای بروز کرد، برنامه‌ریزان جهت موفقیت پروژه ناچار به انجام عملیات اسکان مجدد شدند.

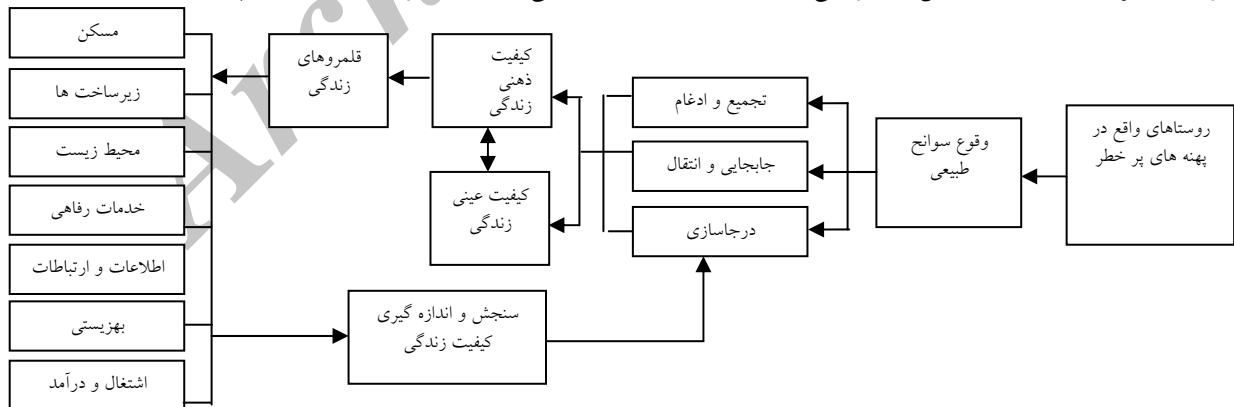
اروپا، ایالات متحده و کانادا - امروزه جابه‌جایی در مقیاس وسیع در کشورهای صنعتی اروپا و آمریکای شمالی معمول نیست. با این حال تاریخ مملو از نمونه‌های جابه‌جایی در اثر اجرای پروژه‌های مختلف در این کشورها به ویژه آمریکای شمالی است، حتی اگر در ادبیات مکتوب نباشد. تحقیقات اسکادر (۱۹۹۶) به منظور سنجش جابه‌جایی محل زندگی و جابه‌جایی سیاسی در پروژه خلیج جیمز کانادا شهرت دارد. گزارش اورتولانو^{۱۷} و همکاران بررسی دقیقی از پروژه سد جویبار بزرگ^{۱۸} ایالات متحده دارد. این پروژه بیش از چهل و دو سال بین سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۷۵ به طول انجامید و ۵۱۰۰ تا ۶۳۵۰ آواره اعم از بومی و غیر بومی در برداشت؛ در حالی که جمعیت های بومی شمال آمریکا را به شدت تحت تأثیر قرار داد (اورتولانو و همکاران، ۲۰۰۰).

اسکان مجدد در ایران

از جمله استانهایی که اسکان مجدد در قالب اجرای طرحهای تجمیع، جابه‌جایی، استقرار بهینه و درجاسازی روستاها را تجربه کرده‌اند می‌توان به استانهای گیلان، فارس، خراسان، سیستان بلوچستان و خوزستان اشاره کرد. نمونه اسکان مجدد موقتی و دائم به‌صورت گسترده در استان گیلان و زنجان و منطقه رودبار، منجیل و لوشان قابل مشاهده است. در پی وقوع زلزله سال در سال ۱۳۶۹ در منطقه وسیعی شامل ۱۶۰۰ روستا آسیب‌های عمده وارد گردید و بعضاً با خاک یکسان شدند (رحمتی، ۱۳۸۵: ۸۳). بیش از ۸۰ درصد از روستاهای جابه‌جا و ادغام شده دارای میزان تخریب بالای ۷۰ درصد بودند. از مهمترین علل بالا بودن تخریب این روستاها می‌توان به

بوده و سکونت در آن به صورت موقت و برای سرکشی به تأسیسات است. دسته دیگری از این افراد در سالهای گذشته محل زندگی خود را در شهرها انتخاب کرده‌اند، اما از این نقاط به عنوان گریزگاهی از کار هفتگی و محلی آرام برای استراحت در ایام بازنشستگی و پیری بهره می‌برند. بنابراین جهت ممانعت از اعتراض روستائیان به جابه‌جایی و اسکان مجدد در شهرکهای تعیین شده، مجریان و برنامه‌ریزان باید کاربردهای مختلف این املاک را در نظر داشته باشند (فرجی، ۱۳۸۸).

در مقاله حاضر با تأکید بر رویکرد ذهنی به سنجش کیفیت زندگی در دو روستای اسکان مجددیافته، پرداخته شده است. از آنجا که هنوز روش شناسی واحدی برای تعیین تعداد قلمروهای زندگی وجود ندارد و انتخاب قلمروها و معرف‌های مربوط به هر قلمرو براساس قضاوت‌های شخصی پژوهشگران، داده‌های در دسترس، ویژگی‌های ناحیه مورد مطالعه و اهداف تحقیق صورت می‌گیرد، در این مطالعه ۷ قلمرو شامل مسکن، زیرساخت‌ها، محیط زیست، خدمات رفاهی، اطلاعات و ارتباطات، بهزیستی و اشتغال و درآمد زندگی در ناحیه مورد مطالعه انتخاب شده است (ن ۱).



ن ۱. مدل مفهومی تحقیق.

بستر طبیعی محل استقرار، رانش زمین، ریزش کوه، فرسودگی واحدهای مسکونی و استفاده نامناسب از مصالح ساختمانی اشاره کرد. در برخی روستاها نیز به‌ویژه در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور به دلیل مشکلاتی که در مورد حمل و نقل مصالح به روستاها وجود داشت، مسئولان ستادها و در مواردی اهالی در نزدیکترین نقطه ممکن، مکانی برای اسکان مجدد در نظر گرفتند. در مجموع ۱۷۰ روستا در معرض جابه‌جایی قرار گرفت که از این میان ۴۶ روستا علاوه بر جابه‌جایی با یکدیگر ادغام نیز شدند. این اقدامات با مطالعه لازم انجام نپذیرفت و در موارد متعدد باعث بروز مشکلاتی گردید (همان منبع).

نمونه مورد مطالعه دیگر، اسکان مجدد روستاهای تخریب شده در اثر ایجاد و آبرگیری سد گتوند علیا در استان خوزستان است. از ۳۶ آبادی واقع در دریاچه سد که به طور کامل به زیر آب رفتند، ۲۵ آبادی دارای سکنه (۱۰۸۱ نفر) بوده‌اند (رحمتی و نظریان، ۸۹: ۵۳). برای آن دسته از اهالی که در منطقه حضور دارند محیط طبیعی و روستا محل سکونت و معیشت، چرای دامها و تولید و اشتغال است. برای دسته‌ای دیگر روستاهای مذکور محل تولید و سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و کشاورزی

روش تحقیق

هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی در دو شهرک اسکان مجدد یافته به روش جابه‌جایی (شهرک زنجیران) و اسکان مجدد به روش تجمیع و جابه‌جایی چند روستا (شهرک ایثار) است. به این ترتیب پس از بررسی سوابق موجود از طرح اسکان مجدد دو شهرک زنجیران و شهرک ایثار که به ترتیب در اثر زلزله (سال ۱۳۷۳) و سیل (سال ۱۳۷۱) ایجاد شده‌اند، شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی از جنبه‌های مختلف از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی سوابق تحقیق در نقاط مختلف ایران و جهان تعیین گردید. با بررسی و مطالعه ادبیات تحقیق هفت قلمرو شامل مسکن، زیرساخت‌ها، محیط زیست، خدمات رفاهی، اطلاعات و ارتباطات، بهزیستی و اشتغال و درآمد برای تجزیه و تحلیل پیامدهای منفی و مثبت اسکان مجدد و تأثیر آن‌ها بر کیفیت زندگی روستائیان انتخاب شد تا از این رهگذر اصول و معیارهایی که می‌بایست در اجرای طرح‌های اسکان مجدد مد نظر قرار گیرد، هر چه بهتر شناسایی گردد. جامعه آماری این تحقیق خانوارهای دو شهرک ایثار و زنجیران بودند. ساکنین شهرک زنجیران افرادی هستند که قبلاً ساکن روستای تخریب شده زنجیران بوده‌اند و در اثر زلزله منازل آن‌ها تخریب و سپس جابه‌جا شده‌اند. خانوارهای شهرک ایثار نیز افرادی هستند که قبلاً ساکن روستاهای محمود آباد، عمرآباد، پیرآباد، سیف آباد و گاوکان بوده‌اند و در اثر سیل روستای آن‌ها تخریب و پس از تجمیع در شهرک ایثار اسکان یافته‌اند.

روش انجام تحقیق توصیفی-تحلیلی است و برای انجام تحقیق با استفاده از فرمول کوکران و محدودیت‌های زمانی و مالی تحقیق تعداد ۱۵۹ نمونه از بین ساکنین دو شهرک ایثار و زنجیران به صورت تصادفی

ساده انتخاب و با استفاده از شاخص‌های ذهنی، کیفیت زندگی آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای است که محققین آن را با توجه به اهداف پژوهش تهیه کرده‌اند. علاوه بر تکمیل پرسشنامه، با رویکردی کیفی از تحقیقات میدانی، انجام مصاحبه‌های موردی و گروهی با ساکنین دو شهرک و مسئولین محلی و نیز بررسی اسناد و مدارک موجود (آرشیو بنیاد مسکن، استانداری فارس) نیز استفاده و اطلاعات این دو جامعه جمع‌آوری گردیده است.

پرسشنامه مورد استفاده، شامل سؤالات بسته با پاسخهای در طیف لیکرت شش مقیاسی کاملاً راضی (۶) تا کاملاً ناراضی (۱) تشکیل شده، که سؤالات در محدوده هفت قلمرو عمده زندگی تعریف شده‌اند. به منظور سنجش اعتبار درونی، ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه استفاده شده است. در این روش، با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های کیفیت زندگی و نظرخواهی از استادان و کارشناسان، گام اول برداشته شد. سپس پرسش نامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل شد و با بررسی پاسخ‌های به دست آمده از ۳۰ پرسشنامه و انجام محاسبات آماری مناسب، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شده است (ج ۱)

برای سنجش کیفیت زندگی از رویکرد ذهنی استفاده شده است. بدین منظور در سنجش کیفیت کلی زندگی پاسخهای شهودی و منطقی به کار رفت. ابتدا در پرسشنامه کیفیت کلی زندگی پاسخگو مورد سؤال قرار گرفت و پس از طرح سؤالاتی در مورد رضایت از قلمروهای مختلف زندگی، بار دیگر کیفیت کلی زندگی پاسخگویان مورد سؤال قرار گرفت. سؤال نخست به عنوان کیفیت زندگی شهودی و سؤال دوم به عنوان کیفیت زندگی منطقی مورد توجه قرار گرفت.

قلمروها	شاخص ها
مسکن	کیفیت مسکن از نظر مصالح به کار رفته، تسهیلات و امکانات مسکن (حمام، آشپزخانه، دستشویی و ...)، مساحت مسکن، تناسب تعداد اتاق ها با تعداد افراد خانوار، موقعیت مسکن در ارتباط با آلودگیهای محیطی و صوتی، احساس آرامش و راحتی در مسکن، توان مردم برای تامین مسکن مناسب، نظارت بر ساخت و ساز مسکن، وضعیت ثبت املاک مسکونی
زیرساخت ها	وضعیت آب آشامیدنی روستا، تهیه فرآورده های نفتی برای پخت و پز و گرما، کیفیت برق و روشنایی منازل و معابر عمومی، وضعیت راه های منتهی به روستا، کیفیت معابر، خیابان ها، کوچه ها و میدان های روستا، ایمن سازی روستا در مقابل بلایای طبیعی از قبیل سیل و زمین لرزه، فاصله محل زندگی تا زمین های کشاورزی و باغات، وضعیت آب مورد نیاز برای آبیاری مزارع و باغات
محیط زیست	وضعیت جمع آوری و دفع آبهای سطحی، جمع آوری و دفع فاضلاب، جمع آوری و دفع زباله، پاکیزگی خیابان ها، پیاده روها و کوچه ها، کیفیت مناظر و چشم اندازهای طبیعی و مصنوعی روستا، کیفیت زیبا سازی محیط زندگی
خدمات رفاهی	دسترسی به امکانات بهداشتی، درمانی از قبیل پزشک و داروخانه، دسترسی به امکانات آموزشی از قبیل مدارس، دسترسی به امکانات فرهنگی از قبیل کتابخانه عمومی، دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی، دسترسی به فروشگاه های مواد غذایی مثل نانوائی، قصابی، بقالی و ...
اطلاعات و ارتباطات	میزان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی، میزان دسترسی به امکانات مخابراتی از قبیل تلفن، میزان دسترسی به امکانات پستی از قبیل صندوق پست و دفتر پستی، میزان دسترسی به اینترنت روزنامه، مجله، رابطه ساکنین روستا با شهرهای مجاور، رابطه با روستاهای مجاور
بهبودی	احساس امنیت در روستا، وضعیت سلامت خود و خانواده، روابط با همسایه ها، احساس تعلق و دلبستگی به روستا، قابل اعتماد بودن اهالی روستا
درآمد و اشتغال	درآمد خانوار، پس انداز خانوار، دارایی های خانوار مثل مسکن، زمین، اتومبیل و ...، وضعیت اقتصادی مردم، امنیت شغلی

ج ۱. شاخص های کیفیت زندگی.

بزرگی در این منطقه به وقوع پیوسته است. در سال ۱۳۷۳ زلزله ای ویرانگر محدود شهرهای میمند و فیروزآباد را لرزاند و باعث تخریب تعداد زیادی از ساختمانهای روستاهای منطقه و جابه جایی چند روستا شد (محمد رضایی، ۱۳۷۸: ۲۱). یکی از این روستاها روستای زنجیران بود که تا حد زیادی تخریب گردید. محل جدید این روستا به حدود ۲ کیلومتری شرق زنجیران قدیم و نزدیک به جاده اصلی منتقل شد (ت ۱).

از آمار توصیفی برای خلاصه سازی نتایج پیمایش، تحلیل عاملی برای شناسایی ابعاد کیفیت زندگی و تحلیل رگرسیون برای ایجاد مدل علی کیفیت زندگی یا شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در محیط نرم افزاری SPSS استفاده شده است.

نواحی مورد مطالعه

شهرک زنجیران- شهرستان فیروزآباد یکی از نقاط زلزله خیز استان فارس می باشد و تاکنون زلزله های

مختلف را به عهده دارد. شهرک در سال ۷۵ یعنی پس از تجمیع و جابه‌جایی ۲۷۳ خانوار داشته است (ت ۲). بر طبق آمار سرشماری سال ۱۳۸۵، در شهرک ۴۲۰ خانوار زندگی می‌کنند. علاوه بر زراعت، دامداری نیز از منابع عمده معیشت مردم شهرک ایثار بوده است که بعد از تجمیع، این منبع درآمد تقریباً از بین رفته است (ایزدی، ۱۳۷۵).

یافته‌های تحقیق

با توجه به ادبیات موضوع، قلمروهای هفت گانه کیفیت زندگی مشخص و برای تجزیه و تحلیل پیامدهای مثبت و منفی اسکان مجدد و تأثیر آن بر کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گرفتند.



استان	شهرستان	بخش	دهستان	آبادی	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	ارتفاع از سطح دریا
فارس	شیراز	کرمان	کرمان	شهرک ایثار	۵۳°۱۱ شرقی	۲۹°۳۲ شمالی	۱۵۹۰

ت ۲. موقعیت مکانی و مشخصات شهرک ایثار (پس از جابه‌جایی و تجمیع) نشان داده شده است.

رضایت از زندگی

برای سنجش میزان رضایت از زندگی از روش به‌کار رفته توسط فو (1998)، ابراهیم و چانگ (2002)، داس (2008)، رضوانی و همکاران (2012) استفاده شد. در این روش دو سؤال در طیف لیکرت ۶ مقیاسی (از ۱ برای کاملاً ناراضی تا ۶ برای کاملاً راضی) در ابتدا و انتهای پرسش‌نامه مطرح شده است. سؤال مطرح شده در



ت ۱. موقعیت مکانی و مشخصات زنجیران، موقعیت روستای اولیه و شهرک (پس از جابه‌جایی) مشخص شده است.

خانه‌های تخریب شده اکثراً از سنگ و برخی از آن‌ها از خشت و گل ساخته شده بودند. روستای جدید زنجیران با جمعیتی حدود یک هزار نفر در فاصله ۶۵ کیلومتری جنوب غربی شیراز واقع شده است. سایت کشاورزی بوده که توسط مالکین به بنیاد مسکن جهت احداث شهرک و اسکان مجدد زلزله زدگان اهدا گردیده و به کاربری مسکونی، خدماتی و اداری تغییر کاربری یافته است. براساس مکتوبات بنیاد مسکن استان فارس، سیستم مدیریتی و روش بازسازی این روستا به صورت نیمه متمرکز و با استفاده از مشارکت مردمی بوده است و دولت از طریق حمایت مالی و تأمین وام مردم را به بازسازی تشویق کرده است.

شهرک ایثار از تجمیع ۵ روستای تخریب شده بر اثر وقوع سیل (۱۳۷۱) شکل گرفته است. شهرک جهت سکونت اهالی روستاهای آسیب دیده به ۴ محله تقسیم شده است. شبکه معابر آن دارای بافت شطرنجی بوده و یک معبر اصلی شمالی-جنوبی به عرض ۳۰ متر و به طول ۸۶۰ متر نقش شریانی و ارتباطی بین محلات

حسب پاسخ منطقی در شهرک ایثار ۳۹.۳ درصد، در شهرک زنجیران ۳۳.۹ درصد و در کل نمونه مورد مطالعه ۳۶.۶ درصد پاسخگویان از زندگی خود به طور کلی ناراضی بودند.

رضایت از قلمروهای مختلف زندگی

میزان رضایت پاسخگویان از قلمروهای مختلف زندگی بر حسب طیف لیکرت ۶ مقیاسی مورد سؤال قرار گرفت. هدف از این کار سنجش میزان رضایت افراد از قلمروهای مورد مطالعه و شناسایی قلمروهایی است که افراد بیشترین و کمترین میزان رضایت را از آن‌ها دارند.

در شهرک ایثار بالاترین ارزش میانگین مربوط به قلمرو زیرساخت‌ها و پایین‌ترین ارزش میانگین مربوط به قلمرو اشتغال و درآمد است. حدود ۷۸.۵ درصد پاسخگویان از وضعیت زیرساخت‌ها در شهرک زنجیران راضی بودند؛ در حالی که تنها ۱۶.۵ درصد پاسخگویان از وضعیت اشتغال و درآمد در این شهرک راضی بودند. قلمرو مسکن نیز وضعیت مناسبی را در شهرک ایثار نشان می‌دهد و دارای ارزش میانگین ۳.۸۱۰ در طیف لیکرت ۶ مقیاسی است؛ در حالی که قلمرو خدمات رفاهی دارای وضعیت نامناسبی بوده و دارای ارزش میانگین ۲.۶۰۷ است (ج ۲).

ابتدای پرسش نامه به‌عنوان پاسخ شهودی و سؤال مطرح شده در انتهای پرسش نامه به‌عنوان پاسخ منطقی مورد توجه قرار گرفته است. ارزش میانگین پاسخ‌ها به این دو سؤال، میزان رضایت از زندگی در ناحیه مورد مطالعه را نشان می‌دهند. استفاده از دو پاسخ شهودی و منطقی برای سنجش میزان رضایت از زندگی علاوه بر این که امکان مقایسه دو پاسخ را امکان‌پذیر می‌سازد، به ما فرصت رسیدن به پاسخ دقیق‌تر و مطمئن‌تری در مورد کیفیت کلی زندگی افراد را می‌دهد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که ارزش میانگین رضایت از زندگی بر حسب پاسخ شهودی در شهرک ایثار ۳.۵۹۴، در شهرک زنجیران ۳.۷۴۳ و در کل نمونه مورد مطالعه ۳.۶۶۶ می‌باشد. بر حسب پاسخ شهودی در شهرک ایثار حدود ۳۸ درصد، در شهرک زنجیران ۳۲.۵ درصد و در کل نمونه مورد مطالعه ۳۵.۳ درصد پاسخگویان از زندگی خود به‌طور کلی ناراضی بودند. ارزش میانگین رضایت از زندگی بر حسب پاسخ منطقی تغییرات چندانی محسوسی را نسبت به پاسخ شهودی نشان نمی‌دهد؛ به‌طوری‌که میانگین رضایت از زندگی بر حسب پاسخ منطقی در شهرک ایثار ۳.۵۳۱، در شهرک زنجیران ۳.۶۷۵ و در کل نمونه مورد مطالعه برابر ۳.۶۰۱ می‌باشد. بر

انحراف استاندارد	میانگین	کاملاً راضی	خیلی راضی	راضی	ناراضی	خیلی ناراضی	کاملاً ناراضی	قلمروهای کیفیت زندگی
۱.۱۵۵	۳.۸۱۰	۶.۳	۱۵.۲	۴۹.۴	۱۷.۷	۵.۱	۶.۳	مسکن
۱.۲۲۸	۳.۹۴۹	۵.۱	۲۷.۸	۴۵.۶	۷.۶	۶.۳	۷.۶	زیرساخت‌ها
۱.۳۳۷	۳.۱۳۹	۱.۳	۱۲.۷	۳۲.۹	۲۲.۸	۱۲.۷	۱۷.۷	محیط زیست
۱.۲۰۲	۲.۶۰۷	۱.۳	۲.۵	۱۷.۷	۳۹.۲	۱۲.۷	۲۶.۶	خدمات رفاهی
۱.۰۵۹	۳.۴۵۵	۲.۵	۷.۶	۴۳.۰	۳۴.۲	۵.۱	۷.۶	اطلاعات و ارتباطات
۱.۳۵۶	۳.۵۴۴	۷.۶	۱۱.۴	۴۳.۰	۱۳.۹	۱۳.۹	۱۰.۱	بهبذیستی
۱.۱۴۰	۲.۵۵۷	۱.۳	۲.۵	۱۲.۷	۴۱.۸	۱۷.۷	۲۴.۱	اشتغال و درآمد

ج ۲. رضایت از قلمروهای کیفیت زندگی (شهرک ایثار).

۳۷ معرف ذهنی مورد بررسی در پیمایش خانوارها به کار گرفته شد. به طور کلی تحلیل عاملی، تکنیکی آماری است که معمولاً برای استخراج زیر مجموعه‌های غیرهمبسته معرف‌هایی که واریانس مشاهده شده در مجموعه داده اولیه را تبیین می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزش KMO برای این مطالعه ۰.۷۸۸ و آزمون بارتلت دارای سطح معناداری در حدود ۰.۰۰ است، که نشان می‌دهد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی در (ج ۴) نمایش داده شده است. تعداد عامل‌های استخراج شده به وسیله معیار مقدار ویژه و اسکری پلات ۹ عامل است. این ۹ عامل ۶۳.۰۹ درصد کل واریانس داده‌ها را تبیین کرده است.

در شهرک زنجیران بالاترین ارزش میانگین مربوط به قلمرو زیرساخت‌ها با ارزش ۴.۳۳۷ و قلمرو محیط زیست با ارزش میانگین ۴.۱۸۹ است. پایین‌ترین ارزش میانگین در این شهرک نیز مربوط به قلمروهای اشتغال و درآمد با ارزش میانگین ۲.۵۰۰ و خدمات رفاهی با ارزش میانگین ۲.۵۹۴ است. در قلمرو زیرساخت‌ها بیش از ۹۰ درصد و در قلمرو محیط زیست بیش از ۸۶ درصد پاسخگویان دارای احساس رضایت می‌باشند؛ در حالی که در قلمروهای خدمات رفاهی و اشتغال درصد افراد دارای احساس رضایت به ۲۳ و ۲۰.۴ درصد می‌رسد. میزان رضایت از قلمروهای کیفیت زندگی مفصلاً در (ج ۳) آمده است.

انحراف استاندارد	میانگین	کاملاً راضی	خیلی راضی	راضی	ناراضی	خیلی ناراضی	کاملاً ناراضی	قلمروهای کیفیت زندگی
۰.۹۱۷	۳.۷۰۲	۴.۱	۵.۴	۵۸.۱	۲۴.۳	۵.۴	۲.۷	مسکن
۰.۸۳۲	۴.۳۳۷	۱۰.۸	۲۳.۰	۵۶.۸	۸.۱	۱.۴	۰.۰	زیرساخت‌ها
۰.۸۲۲	۴.۱۸۹	۶.۸	۲۱.۶	۵۸.۱	۱۰.۸	۲.۷	۰.۰	محیط زیست
۱.۲۴۸	۲.۵۹۴	۲.۷	۱.۴	۱۸.۹	۳۲.۴	۱۸.۹	۲۵.۷	خدمات رفاهی
۱.۳۰۱	۳.۲۴۳	۱.۴	۱۲.۳	۳۶.۵	۲۷.۰	۵.۴	۱۷.۶	اطلاعات و ارتباطات
۱.۱۷۸	۳.۶۲۱	۶.۸	۵.۴	۵۵.۴	۱۴.۹	۱۰.۸	۶.۸	بهبودی
۱.۲۷۴	۲.۵۰۰	۱.۴	۴.۱	۱۴.۹	۳۵.۱	۱۲.۲	۳۲.۴	اشتغال و درآمد

ج ۳. رضایت از قلمروهای کیفیت زندگی (شهرک زنجیران).

عامل اول: این عامل بالاترین بار عاملی را بر

شاخص‌های وضعیت راه‌های منتهی به روستا، فاصله محل زندگی تا زمین‌های کشاورزی و باغات، پاکیزگی خیابان‌ها و کوچه‌ها، ایمن سازی روستا در مقابل بلایای

ابعاد کیفیت زندگی

با توجه به چند بعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی، در این مطالعه از تحلیل عاملی برای شناسایی ابعاد کیفیت زندگی استفاده شد. برای شناسایی ابعاد کیفیت زندگی،

سلامت خود و خانواده و احساس امنیت در روستا دارد و می‌توان این عامل را به‌عنوان « بهزیستی زندگی » نامگذاری کرد.

عامل ششم: این عامل بالاترین بار عاملی را بر شاخص‌های نظارت بر ساخت و ساز مسکن، کیفیت مسکن از نظر مصالح به‌کار رفته و وضعیت ثبت املاک مسکونی دارد و می‌توان این عامل را به‌عنوان «مقاومت مسکن» نامگذاری کرد.

عامل هفتم: این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های وضعیت آب آشامیدنی روستا، جمع‌آوری و دفع فاضلاب و جمع‌آوری و دفع زباله دارد؛ از این جهت می‌توان این عامل را به‌عنوان «وضعیت بهداشت» نامگذاری کرد.

عامل هشتم: این عامل بالاترین بار عاملی را بر شاخص‌های موقعیت مسکن در ارتباط با آلودگی‌های محیطی و صوتی و احساس آرامش و آسایش مسکن نشان می‌دهد و می‌توان این عامل را به‌عنوان «آسایش مسکن» نام‌گذاری کرد.

عامل نهم: این عامل بالاترین بار عاملی را بر شاخص‌های رابطه ساکنین روستا با شهرهای مجاور و رابطه ساکنین روستا با روستاهای مجاور نشان می‌دهد و می‌توان این عامل را به‌عنوان «رابطه با شهر و روستاهای پیرامون» نامگذاری کرد.

عامل نخست، مهم‌ترین عامل است که ۱۳.۵۲ درصد واریانس را تبیین می‌کند. میزان پایایی برای معرف‌های کیفیت ذهنی زندگی در این مطالعه ۰.۸۸۲ است.

طبیعی از قبیل سیل و زمین لرزه، کیفیت مناظر و چشم اندازهای طبیعی و مصنوعی روستا، کیفیت معابر و میدان‌های روستا، جمع‌آوری و دفع زباله، تهیه فرآورده‌های نفتی برای پخت و پز نشان می‌دهد که این عامل به‌عنوان «توسعه کالبدی» نامگذاری می‌شود.

عامل دوم: این عامل بالاترین بار عاملی را بر شاخص‌های دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی، میزان دسترسی به اینترنت روزنامه، مجله، دسترسی به امکانات فرهنگی از قبیل کتابخانه عمومی، دسترسی به امکانات بهداشتی، درمانی از قبیل پزشک و داروخانه، امنیت شغلی و میزان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی دارد؛ بنابراین می‌توان این عامل را به‌عنوان «خدمات رفاهی» نامگذاری کرد.

عامل سوم: این عامل بالاترین بار عاملی را بر شاخص‌های مساحت مسکن، تناسب تعداد اتاق‌ها با تعداد افراد خانوار، تسهیلات و امکانات مسکن (حمام، آشپزخانه، دستشویی و ...) و توان مردم برای تأمین مسکن مناسب دارد و می‌توان این عامل را به‌عنوان «امکانات مسکن» نامگذاری کرد.

عامل چهارم: این عامل بالاترین بار عاملی را بر شاخص‌های پس‌انداز خانوار، درآمد خانوار، دارایی‌های خانوار مثل مسکن، زمین، اتومبیل و وضعیت اقتصادی مردم دارد، بنابراین می‌توان این عامل را به‌عنوان «وضعیت اقتصادی» نامگذاری کرد.

عامل پنجم: این عامل بالاترین بار عاملی را بر شاخص‌های احساس تعلق و دلبستگی به روستا، قابل اعتماد بودن اهالی روستا، روابط با همسایه‌ها، وضعیت

عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی

برای تعیین مهم‌ترین قلمروهای کیفیت ذهنی زندگی که واریانس رضایت از کیفیت زندگی را در ناحیه مورد مطالعه تبیین می‌کنند، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. کیفیت زندگی منطقی به‌عنوان متغیر وابسته و نه عامل کیفیت ذهنی زندگی شامل توسعه کالبدی، خدمات رفاهی، کیفیت مسکن، وضعیت اقتصادی، بهزیستی، مقاومت مسکن، وضعیت بهداشتی،

راحتی مسکن و روابط با شهرها و روستاهای مجاور به‌عنوان پیش‌بینی کننده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. در این مدل شش عامل توسعه کالبدی، خدمات رفاهی، کیفیت مسکن، روابط با شهرها و روستاهای مجاور، وضعیت بهداشت و بهزیستی مجموعاً حدود ۶۳.۵ درصد واریانس کیفیت زندگی منطقی را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون در (ج ۵) نشان داده شده است.

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	متغیرها
		۰.۵۲۲						۰.۷۸۲	وضعیت راه های منتهی به روستا
								۰.۷۷۰	فاصله محل زندگی تا زمین های کشاورزی و باغات
								۰.۶۶۱	پاکیزگی خیابان ها، پیاده روها و کوچه های محله
								۰.۶۶۰	ایمن سازی روستا در مقابل بلایای طبیعی از قبیل سیل و زمین لرزه
								۰.۶۴۴	کیفیت مناظر و چشم اندازهای طبیعی و مصنوعی روستا
								۰.۶۲۹	کیفیت معابر، خیابان ها، کوچه ها و میدان های روستا
								۰.۶۰۷	جمع آوری و دفع زباله
								۰.۵۸۹	تهیه فرآورده های نفتی برای پخت و پز و گرما
									دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی
									میزان دسترسی به اینترنت روزنامه، مجله
									دسترسی به امکانات فرهنگی از قبیل کتابخانه عمومی
									دسترسی به امکانات بهداشتی، درمانی از قبیل پزشک و داروخانه
									امنیت شغلی
									میزان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی
									مساحت مسکن
									تناسب تعداد اتاق ها با تعداد افراد خانوار
									تسهیلات و امکانات مسکن (حمام، آشپزخانه، دستشویی و ...)
									توان مردم برای تامین مسکن مناسب
								۰.۷۹۳	پس انداز خانوار
								۰.۶۶۶	درآمد خانوار
					۰.۷۷۲			۰.۶۴۵	دارایی های خانوار مثل مسکن، زمین، اتومبیل و ...
					۰.۷۵۶			۰.۵۶۵	وضعیت اقتصادی مردم
					۰.۷۰۹	۰.۸۰۶		۰.۴۶۳	احساس تعلق و دل بستگی به روستا
	۰.۴۰۶				۰.۴۶۰	۰.۷۷۸		۰.۴۱۵	قابل اعتماد بودن اهالی روستا
						۰.۵۳۴			روابط با همسایه ها
						۰.۵۲۱			وضعیت سلامت خود و خانواده
									احساس امنیت در روستا
									نظارت بر ساخت و ساز مسکن
									کیفیت مسکن از نظر مصالح به کار رفته
									وضعیت ثبت املاک مسکونی
									وضعیت آب آشامیدنی روستا
									جمع آوری و دفع فاضلاب
									موقعیت مسکن در ارتباط با آلودگیهای محیطی و صوتی
									احساس آرامش و راحتی در مسکن
									رابطه ساکنین روستا با شهرهای مجاور
									رابطه با روستاهای مجاور
۰.۷۸۷								۰.۵۳۸	
۰.۷۳۲									
۱.۶۶۷	۱.۷۵۷	۱.۹۵۵	۲.۰۹۲	۲.۱۷۹	۲.۵۶۰	۲.۶۵۵	۳.۴۷۴	۵.۰۰۵	مقدار ویژه
۴.۵۰۷	۴.۷۴۸	۵.۲۸۵	۵.۶۵۴	۵.۸۸۸	۶.۹۱۸	۷.۱۷۷	۹.۳۸۹	۱۳.۵۲۸	درصد واریانس
									مجموع واریانس تبیین شده (%).
									۶۳.۰۹۳

ج ۴. ماتریس بارهای عاملی برای کیفیت زندگی.

معناداری	T	Beta	تعديل R^2 یافته	R^2	پیش بینی کننده ها
۰.۰۰	۱۸.۳۶	۰.۰۹۲	۰.۳۴۹	۰.۳۵۱	توسعه کالبدی
۰.۰۰	۱۳.۲۱	۰.۴۲۶	۰.۱۸۱	۰.۱۸۱	خدمات رفاهی
۰.۰۰	۶.۴۴	۰.۲۰۸	۰.۰۴۲	۰.۰۴۳	امکانات مسکن
۰.۰۰	۶.۳۴	۰.۲۰۵	۰.۰۴۱	۰.۰۴۲	رابطه با شهر و روستاهای
۰.۰۱	۴.۶۸	۰.۱۵۱	۰.۰۲۲	۰.۰۲۳	پیرامون
۰.۰۳	۲.۰۹۷	۰.۱۵۰			وضعیت بهداشت بهریستی زندگی

ج ۵. پیش‌بینی کننده‌های کیفیت ذهنی زندگی در ناحیه مورد مطالعه.

نتیجه

وجود، ارزش میانگین ۳.۶۰۱ برای کل نمونه مورد مطالعه بیانگر رضایت از زندگی متوسطی در روستاهای اسکان مجدد یافته است. ارزش میانگین رضایت از زندگی بر حسب پاسخ منطقی در مطالعه فو (۱۹۹۸) با استفاده از طیف لیکرت ۵ مقیاسی برابر ۳.۵۵، ابراهیم و چانگ (۲۰۰۲) با استفاده از طیف لیکرت ۵ مقیاسی برابر ۳.۶۸۷، داسل (۲۰۰۸) در طیف لیکرت ۵ مقیاسی برابر ۳.۰۷ و رضوانی و همکاران (۲۰۱۲) در طیف لیکرت ۱۰ مقیاسی برابر ۶.۰۶ بوده است. نتایج کیفیت زندگی منطقی در مطالعه حاضر نیز وضعیتی تقریباً مشابه با مطالعات مذکور نشان می‌دهد. برای سنجش میزان رضایت افراد از قلمروهای زندگی، ۷ قلمرو شامل مسکن، زیرساخت‌ها، محیط زیست، خدمات رفاهی، اطلاعات و ارتباطات، بهزیستی، درآمد و اشتغال مورد توجه قرار گرفت. نتایج حاصل از رضایت از قلمروهای ۷ گانه نشان داد که بیشترین میزان رضایت در شهرک ایثار مربوط به قلمرو زیرساخت‌ها با ارزش میانگین ۳.۹۴۹ و کمترین میزان رضایت مربوط به قلمرو درآمد و

در تحقیق حاضر به بررسی سنجش کیفیت زندگی و تبیین عوامل مؤثر بر آن در روستاهای اسکان مجدد یافته، پرداخته شد. رویکرد مورد استفاده برای سنجش کیفیت زندگی، رویکرد ذهنی و تأکید بر رضایت کلی افراد از زندگی و رضایت از قلمروهای مختلف زندگی است. برای سنجش رضایت کلی افراد از زندگی، پاسخ شهودی و منطقی مورد توجه قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان داد که ارزش میانگین رضایت از زندگی بر حسب پاسخ شهودی در شهرک ایثار برابر ۳.۵۹۴ و در شهرک ایثار ۳.۷۴۳ است. ارزش میانگین رضایت از زندگی بر حسب پاسخ منطقی برای شهرک ایثار عدد ۳.۵۳۱ و برای شهرک زنجیران عدد ۳.۶۷۵ را نشان می‌دهد. مقایسه امتیازات مربوط به پاسخ شهودی و منطقی کیفیت زندگی نشان دهنده پایین بودن ارزش میانگین کیفیت زندگی منطقی در مقابل کیفیت زندگی شهودی است. این مسئله نشان می‌دهد که پاسخگویان پس از در نظر گرفتن تمام ابعاد و قلمروهای زندگی نظر خود را در مورد رضایت از زندگی تغییر داده‌اند. با این

اشتغال با ارزش میانگین ۲.۵۵۷ است. در شهرک زنجیران نیز قلمرو زیرساخت‌ها با ارزش میانگین ۴.۳۳۷ دارای بیشترین میزان رضایت و قلمرو درآمد و اشتغال با ارزش میانگین ۲.۵۰۰ دارای کمترین میزان رضایت می‌باشد. نتایج حاصل از سنجش میزان رضایت پاسخگویان از قلمروهای زندگی، بیانگر برنامه‌ریزی و آماده‌سازی مطلوب زیرساخت‌ها و مسکن در روستاهای اسکان مجدد یافته است، اما تنها توجه به برخی از قلمروهای زندگی، کیفیت زندگی مطلوبی را برای ساکنین به همراه ندارد. قلمرو درآمد و اشتغال در اسکان مجدد نواحی مورد مطالعه به شدت مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند؛ زیرا از یک طرف جابه‌جایی بسیاری از منابع درآمدی خانوارها را در مکان قبلی بی‌اعتبار کرده و از طرف دیگر برنامه‌ای برای اشتغال و درآمدزایی در مکان جدید طراحی و اجرا نشده است.

برای شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در روستاهای اسکان مجدد یافته از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. قبل از اجرای رگرسیون گام به گام از تحلیل عاملی به منظور شناسایی ابعاد کیفیت زندگی استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی، مؤلفه‌هایی را در اختیار ما قرار می‌دهد که فاقد همبستگی بوده و به عبارتی مستقل از هم می‌باشند، از این رو وارد کردن این مؤلفه‌ها به عنوان متغیر مستقل در تحلیل رگرسیون، امکان ایجاد مدل علی با کمترین میزان خطا را برای ما فراهم می‌سازد. نتایج تحلیل عاملی ۹ مؤلفه را برای کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه شناسایی کرد. این نه مؤلفه که شامل توسعه کالبدی، خدمات رفاهی، کیفیت مسکن، وضعیت اقتصادی، بهزیستی، مقاومت مسکن، وضعیت بهداشتی، راحتی مسکن و روابط با شهرها و روستاهای مجاور می‌باشند، حدود ۶۳ درصد واریانس داده‌های اولیه را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که

شش عامل توسعه کالبدی، خدمات رفاهی، کیفیت مسکن، روابط با شهرها و روستاهای مجاور، وضعیت بهداشت و بهزیستی مجموعاً حدود ۶۳.۵ درصد واریانس کیفیت زندگی منطقی را تبیین می‌کنند.

علاوه بر نتایج تحلیلی فوق، مصاحبه‌های گروهی با ساکنین و مسئولین محلی که با در نظر داشتن رویکرد کیفی در این دو روستا انجام شد نشان دهنده این واقعیت است که جوامع روستایی با محیط طبیعی پیرامون خود ارتباط نزدیکی دارند و بخش عمده‌ای از روستاها با تأثیر از عوامل طبیعی مانند رودخانه، چشمه، کوهستان شکل گرفته‌اند. لذا جابه‌جایی مکانی و انتقال ساکنین به مکان دیگر باعث گسسته شدن پیوندهای اجتماعی، اقتصادی و ارتباط با محیط طبیعی آن‌ها گردیده است، به طوری که منجر به بروز مسائلی پیرامون نحوه سازگاری ساکنان با محیط جدید شده است. در مورد شهرک زنجیران با توجه به جابه‌جایی صورت گرفته می‌توان به بروز مشکلاتی از قبیل دور شدن از زمینهای کشاورزی، تنزل وضعیت دامداری به دلیل کم شدن دسترسی به مراتع و کوه و کاهش دلبستگی به مکان به دلیل فقدان خاطرات جمعی گذشته اشاره کرد. همچنین در مورد شهرک ایثار با توجه به جابه‌جایی و تجمع صورت گرفته می‌توان به بروز مسائلی از قبیل برهم خوردن نظام همسایگی، کم‌رنگ شدن ارتباطات اجتماعی به دلیل برهم خوردن نظام گذشته، کم‌رنگ شدن آداب و رسوم خاص محلی به دلیل ورود افراد از سایر روستاها و تجمع ساکنان روستاهای مختلف در یک مکان اشاره نمود. در بازدیدهای میدانی هر دو شهرک عدم تناسب عرض مسیرهای دسترسی با حجم تردد و نیاز ساکنین و عدم وجود فضاهای سبز و زیبایی بصری مناسب محیط روستایی مشهود است. همچنین با توجه به نظر مصاحبه شونده‌گان در هر دو شهرک می‌توان به ساخت خانه‌های نیمه تمام به دلیل

16. Mezatec
17. Ortolano
18. Grand Coulee

منابع

- افراخته، حسن. (۱۳۷۵)، ارزیابی نتایج حاصله از اجرای طرحهای ساماندهی روستایی در کشور (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)، مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده، همدان.
- ایزدی خرامه، حسن. (۱۳۷۵). بررسی پیامدهای تجمیع روستاهای تخریب شده بر اثر بلایای طبیعی در استان فارس: نمونه مورد مطالعه شهرک ایشار، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، همدان.
- آيسان، یاسمین؛ یان، دیویس. (۱۳۸۲)، معماری و برنامه ریزی بازسازی، ترجمه علیرضا فلاحی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- بدری، سیدعلی (۱۳۸۴)، مدیریت بحران (اصول و مبانی)، موسسه توسعه روستایی.
- رحمتی، علیرضا؛ نظریان، اصغر. (۱۳۸۹)، آثار اقتصادی اجتماعی و محیط زیستی سکونتگاههای مشمول جابه‌جایی ناشی از ایجاد سدها (مطالعه موردی سد گتوند علیا، رودخانه کارون)، پژوهش‌های محیط‌زیست، سال ۱، شماره ۲، ۵۳-۶۶.
- رحمتی، محمد مهدی. (۱۳۸۵)، دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی ادغام روستاها در مناطق زلزله زده رودبار و منجیل، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۲، صص ۸۳-۱۱۰.
- رضوانی، محمد رضا؛ منصوریان، حسین؛ احمدی، فاطمه (۱۳۸۹)، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱- صص ۳۳
- علی الحسینی، مه‌ران. (۱۳۸۷)، حلاوت‌های طراحی روستایی، مبانی مداخله در محیط کالبدی سکونتگاههای روستایی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۲۴-۱۹
- فرجی بیرگانی، سامان. (۱۳۸۸)، اشکالات قانونی در اسکان مجدد اهالی محدوده سد گتوند علیا، شوشترنامه.

کافی نبودن وام‌های دریافتی و عدم استطاعت مالی صاحبان خانه‌ها در به اتمام رساندن بناهای ساخته شده پس از جابه‌جایی اشاره نمود. به این ترتیب که ارائه نقشه و مشخصات فنی به صورت تیپ به ساکنان روستا با اقبال و پذیرش جدی آن‌ها همراه نبوده و مردم خود به طراحی (تغییر نقشه و زیربنا) اقدام نموده‌اند. این موضوع سبب شد تا دولت در اعطای وام، آن بخش از زیر بنا که در الگوی مصرف مسکن مد نظر بوده را مورد حمایت قرار دهد و در صورت ضعف بنیه مالی متقاضی واحد مسکونی که به صورت نیمه تمام شده بود رها شود و یا صرفاً بخشی از آن مورد استفاده قرار گیرد.

اگرچه تاکنون بیشتر به اثرات اقتصادی-اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی اسکان مجدد توجه شده است اما این چارچوب نمی‌تواند کامل باشد. با توجه به نتایج این مقاله و تأثیرات اسکان مجدد بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی، پیشنهاد می‌شود در ارزیابی پیش از اجرای طرحهای اسکان مجدد و در بحث ارزیابی اثرات احتمالی این طرحها، چارچوب کیفیت زندگی مورد توجه قرار گیرد. زیرا کیفیت زندگی به همه ابعاد زندگی انسان توجه دارد و ابعاد ذهنی و عینی را توأمان در بر دارد.

پی نوشت

1. Pacione
2. Biderman
3. Costanza
4. Hardoy & Satterthwaite
5. Xu
6. Yusufeli Dam action plan
7. Scudder
8. Taneja & Thakkar
9. Sardar Sarovar
10. Nubian region
11. Obusu-mensah
12. Larovere & Mendes
13. Tucuri
14. Witness for Peace (WFP)
15. Miguel Aleman

Shemiranat County, Urban regional studies and research, Volume 4(13).

-Robinson, S. (2000), The Experience with Dams and Resettlement in Mexico. Contributing paper prepared for Thematic Review I.3: Displacement, Resettlement, Rehabilitation, Reparation and Development. Cape Town, South Africa: World Commission on Dams.

-Scudder, T. (1998), Resettlement, in Biswas, A.K. (Ed.), Water Resources Environmental Planning, Management, and Development, Tata McGraw Hill Publishing Company Ltd., New Delhi.

-Sengupta U.; Sharma S. (2009), No longer Sukumbasis: Challenges in grassroots-led squatter resettlement program in Kathmandu with special reference to Kirtipur Housing Project, Habitat International, vol.33, pp34-44

-Sundaram, P. S. A.; Bongirwar, A. L. (1985), An approach to shelter for squatters in Pune, Habitat International, vol. 9, pp 266-288.

-Taneja, Bansuri; Thakkar, Himanshu. (2000), Large Dams and Displacement in India. Cape Town, South Africa: Submission no. SOC166 to the World Commission on Dams, (<http://www.dams.org/kbase/submissions/showsub.php?rec=SOC166>).

-UN-Habitat. (2003), The challenge of slums. Nairobi: UN-Habitat, p 131.

-Witness for Peace (WFP). (1996), People Dammed: The impact of the World Bank Chixoy Hydroelectric Project in Guatemala, WFP.

-World Bank Operations Evaluation Department (WBOED). (1993), Early Experience with Involuntary Resettlement: Overview, World Bank, Report No. 12142.

-Xu Y.; Tang B.; Chan E.H.W. (2011), State-led land requisition and transformation of rural villages in transitional China. Habitat International (35), pp 57-65

-Yusufeli Dam and hepp resettlement action plan. (2006), Ministry of Energy and Natural Resources, environmental consultancy co., Ankara, Turkey

- محمد رضایی، ایرج. (۱۳۷۸)، نگرشی بر وضعیت

واحدهای مسکونی حادثه دیده استان فارس "خسارات،

بازسازی، نوسازی و پیشگیری (۱۳۷۸-۱۳۷۱)"، بنیاد مسکن

انقلاب اسلامی استان فارس.

-Ballesteros, M. (2002), Rethinking institutional reforms in the Philippine housing sector, no. 16, Philippine Institute for Development Studies.

-Biderman, A. D. (1974), Social indicators. In R. L. Clewett & J. C. Olson (Eds.), whence and whither in social Indicators and marketing, Chicago: American Marketing Association, pp 27-44.

-Costanza, R. (2007), Quality of life: An Approach Integration Opportunities, Human Needs, and Subjective Well-Being, Ecological Economics, No. 61, pp 267-276.

-Canada Inc., and Androdev Canada Inc., Experience with Dams in Water and Energy Resource Development in The People's Republic of China.

-Henderson, Hazel; Lickerman Jon; Flynn Patrice. (2000), Calvert-Henderson Quality of Life Indicators, Calvert Group Publisher.

Hagerty, Michael R. et al. (2001), Quality of life indexes for national policy: review and agenda for research, Social Indicators Research, Vol. 55(1), p1.

-Hardoy, J.; Satterthwaite, D. (1993). Housing policies: A review of changing government attitudes and responses to city housing problems in the third world. In S. G. Cheema (Ed.), Urban management: Policies and innovations in developing countries, pp. 111-161.

-La Rovere, E.L.; Mendes, F.E. (2000), Tucurí Hydropower Complex Brazil, Cape Town, South Africa: Case study prepared for the World Commission on Dams (<http://www.dams.org/kbase/studies/br>).

-Obusu-Mensah, K. (1996), Ghana's Volta Resettlement Scheme: The long-term consequences of post-colonial state planning. London: International Scholars Publications.

-Ortolano, L.; Kao Cushing, K. et al. (2000), Grand Coulee Dam and the Columbia Basin Project, USA. Cape Town, South Africa: Case study report prepared as an input to the World Commission on Dams. (<http://www.dams.org/kbase/studies/us>)

-Pacione, Michael. (2003), Urban environmental quality and human wellbeing: a social geographical perspective, Landscape and Urban Planning, 65(1-2), pp19-30.

-Rezvani M.R.; Badri, S.A.; Sepahvand F.; Akbarian Roonizi S. R. (2012), The effects of second home tourism on improving life quality of rural residents, Case: Roudbar-e Qasran District—